

فرایند تدوین و تصویب سند چشم‌انداز پشت درهای بسته صورت گرفت و از ساعت‌ها کار کارشناسی پر حجم و پر زحمت صورت گرفته هنگام تدوین و تصویب سند، تنها متن نهایی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط دبیر آن در چند هفته پایانی قرائت شد. نتیجه آن شد که نه نخبگان اجرایی و علمی خود را شریک و دخیل در مهمترین سند راهبردی کشور دانستند و نه درباره آن فضای رسانه‌ای صورت گرفت. بنابراین جامعه به ناگاه با ابلاغیه‌ای روبه‌رو شد که رهبرانقلاب در آن، افق ایران در سال ۱۴۰۴ را تعیین کرده بودند و همه صدها ساعت زحمت کشیده شده، خلاصه شد در یک خبر کوتاه در رسانه ملی، تیرتی در روزنامه‌ها و حداکثر یکی دو سرمقاله و گزارش. کاملاً به یاد دارم که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در هفته‌های پایانی تصویب سند در خطبه‌های نماز جمعه از کارشناسان تقاضای همکاری کردند. همان موقع در یادداشتی با عنوان «متن مذاکرات مجمع را منتشر کنید!» نوشتم با این که خیلی دیر شده است اما حداقل اکنون متن مذاکرات جلسات رسمی صحن مجمع را منتشر کنید تا امکان اعلام نظر توسط کارشناسان قبل از نهایی شدن آن توسط رهبرانقلاب وجود داشته باشد اما باز هم هیچ اتفاقی نیفتاد و همان‌طور که پیش‌بینی شده بود نتیجه عدم تعامل با نخبگان در فرایند تدوین سند کار را به این‌جا رساند که سند چشم‌انداز به باوری ملی تبدیل نشد و همین مسأله کافی بود که امکان دخالت دادن سلیقه‌های مدیران اجرایی و اهمیت ندادن به آن میسر شود. در حالی که اگر سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ به باور و هدفی ملی تبدیل شده بود، افکار عمومی اجازه کوچک‌ترین کم‌توجهی را به اشخاص و افراد نمی‌داد. تکرار این اشتباه در تولید، تدوین و تصویب الگوی پیشرفت تبعات بسیار بیشتری را به دنبال خواهد داشت. چرا که گام اول برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تولید علم اسلامی متناسب با اقتضائات بومی است. اگر در ماجرای سند چشم‌انداز عدم همراهی نخبگان لطمه خود را در «اجرای» سند نشان داد، مشکل در این‌جا ریشه‌ای‌تر خواهد بود؛ زیرا بدون ورود فعال نخبگان علمی، نه نظریه‌ای جدید تولید می‌شود و نه اگر نظریه تولید شد توسط دیگرانندیشمندان صیقل می‌خورد و نه امکان اجماع نسبی نخبگانی که برای علمی شدن یک نظریه ضروری است، وجود خواهد داشت.

خلاصه آن که با عدم ورود نخبگان علمی به موضوع، در عمل الگویی علمی با رویکردی اسلامی و کاربردی توسط اندیشمندان ایرانی تدوین نخواهد شد که «حرف جدید» ما بوده و ترجمه اصلاح‌شده علوم غربی نباشد. اگر قرار است الگویی اسلامی ایرانی تدوین شود تنها راه این است که در فضای علمی کشور (حوزه و دانشگاه) عزمی جدی برای تولید اندیشه جدید و غیرترجمه‌ای ایجاد شود؛ تنها در این فضا است که علوم غربی با مبنایی علمی مورد نقد قرار می‌گیرد، رهاوردهای مثبتش مورد توجه قرار گرفته، تلاش برای برطرف کردن نقص‌هایش آغاز می‌شود و تنها در این فضا است افرادی که از استعداد بالقوه

برای تولید علم برخوردارند، انگیزه تولید اندیشه پیدا می‌کنند و نظراتشان با نقد دیگران، یا صیقل می‌خورد یا مقدمه‌ای می‌شود برای تولید اندیشه‌ای جدید. در نتیجه این فضای تولید و نقد علمی است که امکان تولید «حرف‌های نهایی» که باید مبنای الگو باشد ممکن می‌شود. ممکن است حرف نهایی را یک یا چند نفر بزنند اما همیشه آن یک یا چند نفر در فضای ایجاد شده در جامعه علمی است که بروز می‌کنند و مبتنی بر بحث و نظرهای حاکم در آن فضا است که حرف نهایی را زده‌اند و می‌زنند.

توجه به این مهم که ما عنوان «گفتمان الگو» را برایش انتخاب می‌کنیم، توسط رهبرانقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی تصریح و تأکید شده است و می‌توان گفت مطالبه‌ای است که ایشان از مسئولین اجرایی مرکز دارند: «هدف دومی که ما از تشکیل این جلسه داشته‌ایم، این است که یک فرهنگ و یک گفتمان، اول در میان نخبگان و به تبع آن در سطح عموم جامعه به وجود بیاید. همین حرف‌هایی که شما امشب بیان کردید، وقتی در سطح جامعه منتشر شود، ذهن نخبگان و سپس ذهن عموم مردم را به یک سمت اساسی سوق خواهد داد؛ اندیشیدن در مورد الگوی توسعه و مدل حرکت به سمت جلو؛ احساس این که باید در این زمینه مستقل باشیم و روی پای خودمان بایستیم، عیوب وابستگی و تکیه کردن به الگوهای بیگانه گسترش خواهد یافت. ما امروز به این احتیاج داریم. متأسفانه جامعه نخبگانی ما هنوز در بخش‌های مهمی از این مسأله به یک نتیجه صحیح و درست نرسیده‌اند؛ که این باید اتفاق بیفتد.»

روشن است ایجاد «گفتمان الگو» در فضای علمی کشور با برگزاری همایش‌های مرسوم فراخوان مقاله که تاکنون دو نشست آن برگزار شده است ایجاد نمی‌شود و همین که پس از گذشت بیش از یک سال هنوز «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» اطلاع‌رسانی مناسبی از فعالیت‌هایش نکرده است به گونه‌ای که حتی دارای یک سایت رسمی فعال و به روز نیست و همین که با دور شدن از زمان برگزاری اولین نشست و از دست دادن «زمان طلایی» برای گفتمان‌سازی، هنوز در فضای علمی اکثر حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها اتفاق مهمی در این زمینه صورت نگرفته، می‌توان گفت که در انجام مهمترین گام یعنی «گفتمان‌سازی» عقب‌ماندگی زیاد و نگران‌کننده‌ای وجود دارد. البته در برابر این نگرانی نقطه امید جدی نیز وجود دارد؛ چرا که بر اساس اطلاعات مندرج در سایت ویکی‌پدیا (کاش مجبور نبودیم به این سایت غیرمعتبر استناد کنیم) ظاهراً در ساختار سازمانی مرکز «دفتر ارتباطات و گفتمان‌سازی» در نظر گرفته شده است که نشان‌دهنده این مسأله است که ایجاد «گفتمان الگو» به فراموشی سپرده نشده و جای امیدواری وجود دارد که در آینده پیش رو، جدی‌تر به این مهم پرداخته شود.

ویژه‌نامه‌ای که پیش رو دارید ضمن بررسی رابطه عقلانیت و علم دینی با الگوی پیشرفت کوشیده است شماری از نخبگان ایرانی را در راستای گفتمان الگو با خود همراه کند؛ به آن امید که نخستین گام‌ها را در این مسیر استوار برداریم.